

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی

دکتر وحید قاسمی^۱، مهدی ادیبی سده^۲، کریم آذربایجانی^۳، خالد توکلی^۴

چکیده

در سال‌های اخیر بحث در مورد نتایج مثبت سرمایه‌ی اجتماعی رشد چشمگیری یافته است به گونه‌ای که از آن به عنوان حلقه‌ی مفقوده‌ی توسعه یاد می‌شود. در این نوشتار این باور به چالش کشیده می‌شود و فرض بر این است که سرمایه‌ی اجتماعی انواع گوناگون دارد و نوع درون‌گروهی آن که به روابط مبتنی بر اعتماد گروه‌های بسته و محدود ارجاع داده می‌شود، می‌تواند موجب رواج فرقه‌گرایی، بالارفتن هزینه‌ی مبادلات و عدم اعتماد تعمیم‌یافته شود و در نتیجه تأثیر منفی بر روند توسعه‌ی یک کشور داشته باشد. همچنین دو مفهوم متفاوت از توسعه در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق مبتنی بر تحلیل ثانویه است و با استفاده از نرم‌افزار AMOS میزان سازگاری شاخص‌ها مورد سنجش قرار گرفته است، با استفاده از این نرم‌افزار و مدل معادلات ساختاری، فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند. جامعه‌ی آماری، کل ایران و واحد تحلیل استان‌های آن است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در استان‌های کشور بیشتر باشد، میزان توسعه‌ی اقتصادی آن استان کاهش می‌یابد. این امر در ارتباط با سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم، شدت بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، توسعه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۱۸

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

^۲ دکتر جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

^۳ - دکتر اقتصاد و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

^۴ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه اصفهان (khaled_tavakoli@yahoo.com)

مقدمه

بحث در مورد ماهیت، کیفیت و چگونگی دستیابی به توسعه سالهای میدیدی است ذهن عالمان علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است. اکنون که بیش از نیم قرن از طرح این مباحث می‌گذرد، بازار گفت‌وگو همچنان گرم است. جامعه‌شناسان، اقتصاددانان توسعه، سیاستمداران و برنامه‌ریزان ملی و نهادهای بین‌المللی که از اعضای اصلی این بازار به شمار می‌آیند، همچنان با شور و شوق و تلاش، مشغول به کار و به دنبال حلقه یا حلقه‌های مفقوده‌ای هستند که گره از کار فروبسته‌ی کشورهای توسعه‌نیافته بگشایند. پژوهش‌های گسترده و پرهزینه‌ای نیز که در این زمینه به انجام رسیده است، موجبات خرسندی و رضایت فعالان نظری و عملی این عرصه را فراهم نساخته است و با اطمینان باید گفت حکایت توسعه، همچنان باقیست.

سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم مورد علاقه‌ی عالمان علوم اجتماعی است که در سال‌های اخیر بحث و پژوهش در مورد آن افزایش یافته، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گشته و رابطه‌ی آن با پدیده‌های مختلفی چون دموکراسی، جامعه‌ی مدنی، آسیب‌های اجتماعی، آموزش، سلامت، توسعه‌ی اقتصادی و ... مورد بررسی قرار گرفته است. تبیین رابطه‌ی متقابل میان سرمایه‌ی اجتماعی با واقعیت‌های مذکور، در کنار بحث در مورد تعریف و نحوه‌ی سنجش سرمایه‌ی اجتماعی، بخش مهمی از ادبیات مربوط به آن را به خود اختصاص داده است.

در این نوشتار، باورهای رایج در مورد تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی به لحاظ نظری به چالش کشیده می‌شود و به لحاظ عملی نیز این رابطه در استان‌های مختلف ایران مورد سنجش قرار می‌گیرد. واقعیت آن است که در دهه‌های اخیر، تصور مورد قبول این گونه بوده است که سرمایه‌ی اجتماعی - به طور مستقیم و غیر مستقیم - نقش مثبتی در فرآیند توسعه به طور عام و توسعه‌ی اقتصادی به طور خاص، ایفا می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی، حلقه‌ی مفقوده تشخیص داده شد و در مورد محاسن آن استدلال‌های فراوانی مطرح گشت. در اینجا، این باور پذیرفته شده مورد تردید قرار می‌گیرد و استدلال می‌شود که در برخی از موارد، و بعضی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مثبتی در فرآیند توسعه اقتصادی بازی نمی‌کنند، حتی می‌توانند به مثابه یکی از موانع آن عمل نمایند.

تعریف مفاهیم

توسعه: در لغت به معنای خروج از «لفاف» گسترش و بهبود است. از کیا بر این باور است که در تعریف توسعه باید توجه داشت که اولاً توسعه را مقوله‌ای ارزشی بدانیم، دوم اینکه آن را فرآیندی پیچیده، غیر خطی و چند بُعدی تصور کنیم و نهایتاً قابل به ارتباط و قرابت آن با مفهوم بهبود^۲ باشیم (از کیا، ۱۳۸۴، ص ۲۴). اگر چه توسعه مفهومی پیچیده، کیفی، چند وجهی، درازمدت، تدریجی و ارزشی است اما آنگاه که سخن از تعریف توسعه‌ی اقتصادی به میان می‌آید، بلافاصله مفهوم «رشد اقتصادی»^۳ و تفاوت میان آنها به ذهن متبادر می‌گردد. این امر بیش از آنکه نشانگر تفاوت میان این دو مفهوم باشد از قرابت و نزدیکی آنها با یکدیگر حکایت دارد. به همین دلیل، عده‌ای بر این باورند که توسعه‌ی اقتصادی چیزی جز رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحول کیفی نیست.

«عظیمی» توسعه را این‌گونه تعریف می‌کند: «توسعه فرآیندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده‌ی جدید شوند و طی این فرآیند، سطح رفاه جامعه ارتقاء می‌یابد» (عظیمی، ۱۳۸۲، ص ۴۲). وی همچنین توسعه‌ی اقتصادی را عبارت از فرآیندی می‌داند که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول می‌گردند (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸). «میر» توسعه اقتصادی را عبارت از فراگردی می‌داند که درآمد سرانه‌ی واقعی یک کشور طی یک دوره‌ی بلندمدت افزایش می‌یابد (میر، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

سرمایه اجتماعی: از سرمایه‌ی اجتماعی تعاریف گوناگونی موجود است. سرمایه‌ی اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارد که هر کدام از اینها، تعاریف خاص و کارکردهای ویژه‌ای دارند. در این سالها تعاریف متنوعی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه شده که بر عمدتاً بر نقش آن در دستیابی به اهداف جمعی و توسعه‌ی اقتصادی اشاره شده است. همچنین این نکته نیز مد نظر قرار گرفته است که ممکن است، شکلی از آن یا در شرایطی خاص، سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر مثبت بر توسعه‌ی اقتصادی نداشته باشد.

«جو»^۴ سرمایه‌ی اجتماعی را در سه سطح مورد بررسی قرار می‌دهد:

a. سطح خرد^۵ که دربرگیرنده‌ی جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های روابط اجتماعی افراد و خانواده‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با آن است که تأثیرات مثبت یا منفی بر اجتماع به مثابه یک کل دارد.

b. سطح میانی^۶ که شامل روابط عمودی و افقی در بین افراد و گروه‌های مختلف مانند شرکت-های تجاری می‌شود. روابط عمودی میان افراد و شرکت‌های مختلف، به وسیله‌ی روابط سلسله‌مراتبی و توزیع نابرابر قدرت میان اعضا مشخص می‌گردد.

c. سطح کلان^۷ سرمایه‌ی اجتماعی محیط سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود که ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد و امکان گسترش هنجارها را فراهم می‌آورد. در این سطح، روابط و ساختارهای نهادی و رسمی مانند رژیم سیاسی، حاکمیت قانون، نظام قضایی، آزادی‌های مدنی و سیاسی وجود دارند (Chau, 2002: 4).

سرمایه‌ی اجتماعی در سطح خرد به دو دسته تقسیم می‌شود:

i. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی^۸: سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی از پیوندهای اجتماعی نیرومندی که مبتنی بر روابط خانوادگی، خویشاوندی، جنسیت، قومیت و دین است، ناشی می‌شود.

این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی، شکل خاصی از اعتماد را نسبت به اعضای گروه ایجاد می‌کند که آن را این‌گونه توصیف می‌کنند: «من به تو اعتماد دارم، چون یکی از اعضای کلان من هستی»^۹. گروه‌هایی که سرمایه‌ی اجتماعی آنها مبتنی بر خویشاوندی، دین، قومیت، جنسیت، جغرافیا و طبقه-کاست است، در چارچوب همین مرزها و خطوط، بازار تشکیل می‌دهند و به معامله می‌پردازند. گروه‌های انتسابی^{۱۰} و حتی اکتسابی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی هستند، تمایل دارند تا سطح بالایی از اعتماد، همکاری و سازماندهی را درون گروه داشته باشند و مبادلات، کار گروهی و آموزش جمعی را تسهیل نمایند.

ii. سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی^{۱۱}: سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، بر روابط و پیوندهای اجتماعی ضعیف^{۱۲} میان اعضای جامعه مبتنی است. ارزش‌های مشابه و ویژگی‌های همسان، آنها را به هم نزدیک نمی‌سازد. پیوندهای اجتماعی ضعیف در میان مردمی که ناهمگن هستند، هویت‌های متفاوت و مختلفی دارند، به چشم می‌خورد. البته وقتی سخن از پیوند ضعیف در این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی می‌رود، بدان معنی نیست که این یک ویژگی منفی برای آن است، بلکه این شکل از پیوند اجتماعی، نقطه قوت سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی است که روابط اجتماعی در آن باز و داوطلبانه است. این سرمایه، اعتماد عام را تولید می‌کند و روابط میان افراد مختلف را تسهیل می‌بخشد (همان، ص ۲۱).

«آپهوف»^{۱۳} (۲۰۰۰) سرمایه‌ی اجتماعی را به دو نوع ساختاری^{۱۴} و شناختی^{۱۵} تقسیم می‌کند. نوع ساختاری آن به امور عینی و قابل مشاهده مانند ساختارها و نقش‌های اجتماعی اشاره دارد، و ناظر بر کمیت سرمایه‌ی اجتماعی است. نوع شناختی سرمایه‌ی اجتماعی، که ذهنی و نامحسوس است، ناظر بر کیفیت آن، ارزش‌های اجتماعی، باورهای مشترک و اعتماد می‌باشد.

چارچوب نظری

علیرغم تصور خوش‌بینانه نسبت به تأثیر مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی اقتصادی، نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که برخی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی در ارتباط با توسعه‌ی اقتصادی چندان مثبت عمل نمی‌کنند. بسیاری از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان توسعه، از تأثیرات منفی سرمایه‌ی اجتماعی غافل نبوده و از آن سخن به میان آورده‌اند (فوکویاما، ۱۳۷۹؛ ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴؛ Sabatini, 2006. chou, 2006. Leonard, 2004. Putnam, 2000).

در دیدگاه شبکه‌ای این باور رواج دارد که سرمایه‌ی اجتماعی ذاتاً خیر نیست (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴، ص ۵۳۵) لذا به جنبه‌های منفی سرمایه‌ی اجتماعی نیز اشاره می‌شود. برای مثال ممکن است تعهدات وفاداری‌های گروهی آنچنان نیرومند باشند که گرفتن دارایی‌های فرد را که با جان‌کندن و تحمل مشقات فراوان آن را به دست آورده است به بهانه‌ی حمایت از گروه و شبکه، به سادگی توجیه شود. از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که نتایج مثبت سرمایه‌ی اجتماعی برای یک گروه، شاید به زیان گروه دیگری تمام شود، لذا نباید تمامی نتایج مثبت اقتصادی را به سرمایه‌ی اجتماعی نسبت داد (همان، ص ۵۳۹).

«ساباتینی» (۲۰۰۷) با انجام تحقیقات مختلف در زمینه‌ی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی در ایتالیا، این ادعای پاتنام، مبنی بر تأثیر مثبت سازمان‌های جامعه‌ی مدنی بر فرآیند توسعه‌ی اقتصادی را به بوته‌ی آزمایش می‌گذارد و بر این باور است که کیفیت توسعه^{۱۶} به طور معنی‌دار و مثبتی با سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، همبستگی دارد و میان کیفیت توسعه و پیوندهای قوی خانوادگی یا سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، همبستگی منفی وجود دارد. وی معتقد است هم‌چنان که افزایش در سرمایه‌ی فیزیکی، میانگین هزینه‌ی تولید را کاهش می‌دهد، افزایش در روابط مبتنی بر اعتماد یا سرمایه‌ی اجتماعی نیز به کاهش میانگین هزینه‌ی تعامل اجتماعی می‌انجامد. با این تفاوت، برخی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی این نتیجه را در بر ندارند و می‌توانند در مسیری متضاد با کاهش هزینه‌ها عمل نمایند. وی به طور

مشخص در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی که به تخریب پیوندهای میان گروههای مختلف منجر می‌شود، تأثیر منفی بر توسعه‌ی انسانی و عملکرد اقتصادی دارد.

ساباتینی (۲۰۰۸) همچنین اظهار می‌دارد ویژگی درون‌گروهی سرمایه‌ی اجتماعی، به طور ضمنی در بردارنده‌ی نوعی بار منفی است و در یک معنای کلی به گروههای کوچک و جمعیتی همگون ارجاع داده می‌شود که حاضر نیستند با گروههای بیگانه و خارج از مرزهای خود، همکاری و ارتباط داشته باشند. به زعم وی اکثر جامعه‌شناسان، خانواده را شکل بالقوه‌ی این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌کنند.

«فرانکوئیس» نیز بر این باور است که «در جوامع خویشاوندی که دارای قومیت مشترک یا دیگر پیوندهای اجتماعی مشترک‌اند، اعتماد تا حدودی یافت می‌شود؛ اما تردید وجود دارد که آیا این اعتماد می‌تواند کارآیی لازم را برای تعاملات اقتصاد در تولید مدرن داشته باشد یا نه» (فرانکوئیس، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

«لئونارد» (۲۰۰۴) ضمن انتقاد از پاتنام در مورد گذار از سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به برون‌گروهی که آن را با تناقضاتی همراه می‌داند، با مقایسه دو منطقه‌ی متفاوت از بلفاست، معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، کنش و انتخاب‌های فرد را محدود و منافع اقتصادی ویژه‌ای را برای اعضای یک گروه همگن و خاص ایجاد می‌کند و می‌تواند فواید اقتصادی بخشی، محدود و محلی داشته باشد. وی اظهار می‌دارد که این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مانعی در برابر دسترسی افراد به منابع و اطلاعات دیگران و به فعلیت درآوردن استعدادها و توانایی‌های آحاد جامعه عمل می‌نماید و شعاع اعتماد را کاهش می‌دهد، لذا برای توسعه مناسب نیست. این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی موجب می‌شود ارتباطات افراد در سطح خانواده و جامعه محصور شود و فردی موفق تلقی می‌گردد که در همان چارچوب تقاضا و نیاز خود را مطرح و برآورده سازد. وی به انتقاد از پاتنام می‌پردازد و با اشاره به تجربه‌ی بلفاست، بر این باور است که تغییر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به برون‌گروهی ممکن است بیش از آنکه به حال جامعه مفید باشد، برای فرد فایده داشته باشد و به تقویت نابرابری‌ها بیانجامد. لئونارد معتقد است که تضاد سیاسی وسیع و گسترده در ایرلند شمالی به گسترش سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و رواج صلح به تقویت و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی انجامیده است.

همچنین «چو» (۲۰۰۶) نشان داده است که سرمایه‌ی اجتماعی موجود در خانواده می‌تواند به تقویت سرمایه‌ی انسانی فرزندان مدد رساند. خانواده‌هایی که از اعتماد بیشتری نسبت به یکدیگر برخوردارند، روابط متقابل مستحکم و پایدار و ارزش‌های مشترکی دارند، فرزندان‌شان در مدرسه موفق‌تر از دیگران هستند. کلمن نیز بر این امر قبلاً صحنه گذاشته بود. کلمن بر این باور بود که میزان سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده مانند حضور فیزیکی والدین در خانواده، میزان اعتماد فرزندان به والدین، روابط اقتدار خانواده، احساس تعهد متقابل نسبت به سرنوشت همدیگر و خانواده و ... بر پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است.

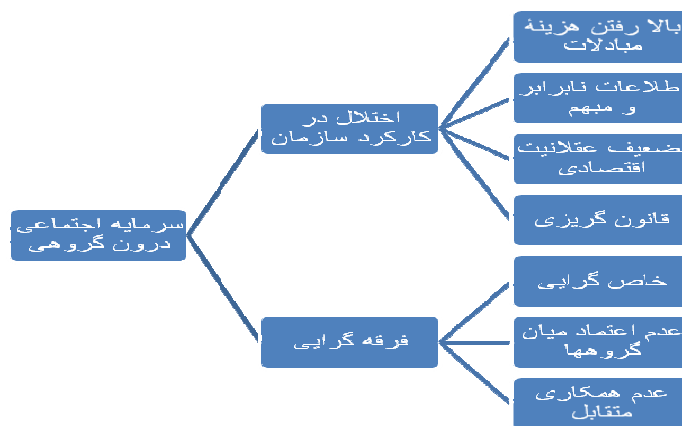
این تفسیر از روابط متقابل و شبکه‌ی اجتماعی خانواده با برخی از نظریات صاحب‌نظران دیدگاه نوسازی در مورد موانع فرهنگی توسعه همخوانی دارد، با این تفاوت که نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی، انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی را به صورت همزمان در یک جامعه و در سطوح مختلف آن می‌بینند ولی نظریه‌پردازان نظریه‌ی نوسازی، برای مقایسه‌ی جوامع سنتی و مدرن به این مقایسه دست می‌یازیدند.

آمارتیا سن (۲۰۰۶) نیز در کتابی تحت عنوان «هویت و خشونت»^{۱۷} این موضوع را مورد کند و کاو قرار داده است. نظر وی این است که انسان‌ها هویتی تک و منحصر به فرد ندارند و هر فرد با گروه‌ها و نهادهای مختلف ارتباط و نسبت به آنها تعلق خاطر دارد. لذا نمی‌توان برای فرد، هویت واحد در نظر گرفت، مگر آنکه هویتی کاذب را به آن نسبت داد. در صورتی که بدون توجه به این واقعیت، فرد را واجد هویتی خاص بدانیم و به عبارت بهتر هویتی کاذب را برای وی تعریف و ترسیم نماییم، آنگاه برای حفظ این هویت جعلی و ایجاد همبستگی با خودی‌ها چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه خصومت و دشمنی نسبت به غیر خودی‌ها و دشمنان ترویج گردد.

اگر از این زاویه، سرمایه‌ی اجتماعی را مد نظر قرار دهیم، می‌بینیم که این نیز از چنان فرآیندی پیروی می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی آن‌گاه ایجاد می‌شود که همبستگی میان اعضای گروه در حد بالایی باشد و پیوندهای قوی آنها را به هم مرتبط نماید. بالا رفتن همبستگی میان اعضای گروه و شکل‌گیری پیوندهای قوی، موجب می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی تقویت گردد و از سوی دیگر نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دیگران به وجود آید. از سوی دیگر، اما سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی بر هویت‌های متعدد در جامعه صحنه می‌گذارد و آنها را به رسمیت می‌شناسد. این امر موجب گسترش اعتماد عام و برقراری رابطه میان افراد جامعه می‌-

شود. برقراری رابطه نیز به نوبه‌ی خود منجر به شکل‌گیری شبکه‌های روابط اجتماعی و گسترش ارزش‌های عامی می‌شود که خیر را محدود تلقی نمی‌کند و معاملات اقتصادی را منوط به خویشاوندی یا پیوندهای قومی، قبیله‌ای و خانوادگی نمی‌داند.

به طور کلی در جامعه‌ای که در میان گروه‌های آن، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در حد زیادی وجود داشته باشد، نه تنها ارتباط میان گروه‌های مختلف قطع می‌گردد، بلکه نوعی فرقه-گرایی رواج می‌یابد که امکان رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازد. جامعه به فرقه‌ها و هویت‌های گروهی مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام بر اساس منافع و تشخیص خود و عدم اعتماد نسبت به دیگری عمل می‌کند. گروه‌های مختلف در چنین حالتی از تعریف اهداف مشترک و ارائه‌ی برنامه‌ی هماهنگ برای دستیابی به آن اهداف ناتوان هستند و تقویت پیوندهای درون‌گروهی بر ایجاد رابطه با دیگران ارجحیت و اولویت دارد. این امر موجب می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، کارکردها و نتایج منفی متعددی را برای توسعه‌ی اقتصادی به بار آورد که در نمودار زیر نمایش داده می‌شود:



نمودار شماره (۱) کارکردها و نتایج منفی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی برای توسعه‌ی اقتصادی

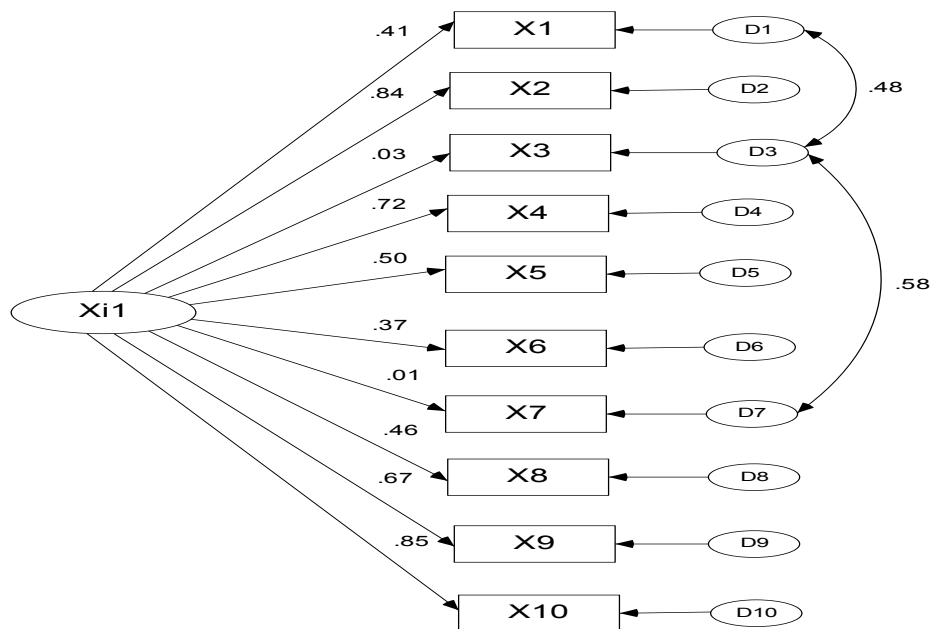
روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار مبتنی بر تحلیل ثانویه است و برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی درون-گروهی، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های بازرگانی، پیمایش ملی ارزشها و نگرش‌های ایرانیان، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و برخی از تحقیقات پیشین، شاخص-های متعددی انتخاب شدند، با استفاده از نرم‌افزار AMOS میزان سازگاری شاخص‌ها مورد سنجش

قرار گرفت و در نهایت شاخص‌هایی که میزان سازگاری آنها قابل قبول بود، انتخاب شدند، سپس با استفاده از این نرم‌افزار و مدل معادلات ساختاری، فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند. جامعه‌ی آماری، کل ایران و واحد تحلیل استان‌های آن است و پس از این که مقبولیت سازه‌ها مشخص گردید، مقدار سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، توسعه‌ی اقتصادی نسل اول و نسل دوم برای هر استان محاسبه شده است و با استفاده از مدل معادلات ساختاری، فرضیات مورد سنجش قرار گرفتند.

سازه سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی: این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی در میان افرادی وجود دارد که همگن هستند و ویژگی‌های مشترک و مشابهی دارند. همگنی و مشابهت موجب می‌شود که رابطه‌ای قوی و شدید میان اعضای گروه به وجود آید. برای مثال اعضای خانواده، گروه دوستان یا یک گروه قومی از چنین سرمایه‌ای برخوردار هستند. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی همگنی، تقویت و تحکیم هویت، برقراری روابط متقابل، وفاداری درون‌گروهی و همبستگی را موجب می‌شود. ساخت مدل برای چنین سازه‌ای بسیار دشوار است و بیشتر محققان از وفاداری و اعتماد افراد نسبت به خانواده به عنوان شاخص اصلی این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی بهره گرفته‌اند (Šafir & Häuberer: 2007).

در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های مختلفی که از یک سو روابط قوی و بسته را میان اعضای گروه خانواده، دوستان و اقوام و از سوی دیگر شاخص‌هایی که مرزبندی و تفاوت گروه خودی را با غیر خودی نشان می‌داد، انتخاب شدند. در نهایت این شاخص‌ها که سازگاری و انسجام درونی بیشتری با یکدیگر داشتند، به عنوان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی مشخص گردیدند: X1 = پرهیز از جریمه‌ی دوستان، X2 = محترم شمردن آبرو، X3 = وجود اختلاف و چنددستگی، X4 = درد دل با خانواده، X5 = اعتماد به خویشاوندان، X6 = اعتماد به خانواده، X7 = مشورت با خانواده، X8 = رضایت از خانواده، X9 = تشخیص دینداری از ریاکاری و X10 = علاقه‌ی مذهبی. نمودار زیر، میزان سازگاری این شاخص‌ها را در مدل اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی نشان می‌دهد:



مدل شماره (۱) مدل اندازه‌گیری سازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی

در مورد مدل فوق، ذکر نکاتی چند ضروری است:

- مثبت بودن کلیه‌ی وزن‌های رگرسیونی یا بارهای عاملی (پارامترهای لامدای اکس) نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول را از مبانی نظری نمودار فوق به نمایش می‌گذارد؛
- در نمودار فوق شاخص‌های علاقه‌ی مذهبی و محترم شمردن آبرو با دارا بودن ضرایب $.۸۵$ و $.۸۴$ دارای همبستگی بیشتری با سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی هستند و بنابراین در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان از وزن بیشتری برخوردارند. در مقابل متغیرهای وجود اختلاف و چنددستگی با ضریب $.۳$ ، مشورت با خانواده با ضریب $.۰۱$ و اعتماد به خانواده با ضریب $.۳۷$ دارای همبستگی کمتری با سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی هستند و در محاسبات مربوط به این متغیر، دارای وزن کمتری هستند.

سنجش توسعه اقتصادی: این مرحله از تحقیق از اهمیت بالایی برخوردار است و شاخص‌ها باید به گونه‌ای تعریف و تعیین شوند که نمایانگر مفهوم مورد تحقیق باشند و بتوانند آن را مورد سنجش قرار دهند. از آنجایی که تعاریف متفاوت و گاه متضادی از توسعه‌ی اقتصادی ارائه شده است، بر

همین منوال شاخص‌های متفاوت و مختلفی نیز برای سنجش آن مطرح گردیده است. برخی از محققین صرفاً به شاخص‌های کمی و اقتصادی توسعه اشاره کرده‌اند و برخی دیگر به شاخص‌های کیفی و غیر اقتصادی یا بیشتر اجتماعی روی آورده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت که تعیین شاخص برای توسعه‌ی اقتصادی و اصولاً هر مفهوم دیگر، تابع تعریفی است که از آن مفهوم داریم. اگر تعریف ما از توسعه‌ی اقتصادی مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های کمی و اقتصادی آن باشد، بدیهی است که شاخص‌ها را نیز در این محدوده انتخاب خواهیم کرد.

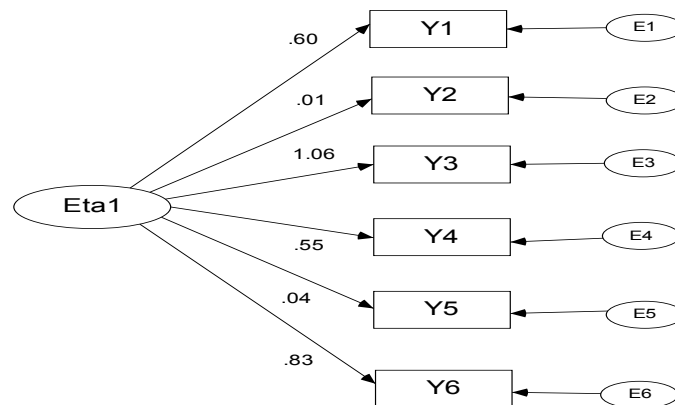
نظریه‌پردازان اولیه‌ی اقتصاد توسعه که تا حد زیادی بر رشد اقتصادی و جنبه‌های کمی توسعه‌ی اقتصادی تأکید داشتند، شاخص‌هایی چون درآمد ملی و سرانه، تولید ناخالص داخلی و ... را به عنوان شاخص‌های توسعه در نظر گرفته‌اند. «لوئیس»^{۱۸} تأکید دارد که تولید سرانه بهترین و تنها معیار توسعه است. بر اساس مدلی که وی ارائه می‌کند، اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته از دو بخش سنتی و صنعتی تشکیل می‌شود که در بخش سنتی آن کشاورزی معیشتی و روستاها پرجمعیت است و تولید نهایی نیروی کار صفر می‌باشد. اما در بخش صنعتی، شهرها گسترش یافته و بهره‌وری، میزان سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح بالایی است. لوئیس، پیش‌بینی می‌کند که وضعیت بهتر بخش صنعتی و افزایش محصول در آنجا موجب می‌شود که نیروی کار از بخش سنتی به صنعتی انتقال یابد (مهدوی، ص ۱۰۲).

اما با تغییر در تعریف توسعه و ارائه‌ی تفاسیر جدید از آن، شاهد تغییر و دگرگونی در شاخص‌های آن نیز هستیم به گونه‌ای که به تدریج برخی از شاخص‌های غیر اقتصادی و ترکیبی چون آزادی، امید به زندگی، تسهیلات آموزشی و بهداشتی، مشارکت مدنی و سیاسی و ... به جمع شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی افزوده می‌شود. «سن» بر این باور است که توسعه را می‌توان از منظر وسعت آزادی‌های راستین بشر که موجبات انبساط خاطر او را فراهم می‌کند، به نظاره نشست و تأکید می‌کند که سنجش پیشرفت توسعه باید در درجه‌ی نخست بر مبنای گسترش و ارتقای «آزادی‌های مردم» انجام شود. لذا، از این منظر و بر اساس این تعریف، توسعه با معیارها و شاخص‌هایی چون رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت‌های فناوری ناقص است و بر دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، توانمندی حاصل از سلامت جسم، آموزش‌های اساسی و آزادی‌های انسانی نیز تأکید دارد (سن، ۱۳۸۳، صص ۱۱۴-۱۱۲). در مقابل کسانی که توسعه را با رشد اقتصادی سازگار می‌یابند و به شاخص‌های کمی دلبستگی و علاقه دارند به شاخص‌هایی دیگر

برای سنجش میزان توسعه‌ی اقتصادی اشاره دارند. بر اساس آنچه که گفته شد، در این پژوهش دو مدل برای سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی به شرح زیر طراحی گردید:

سازه توسعه‌ی اقتصادی نسل اول: نسل اول اقتصاددانان توسعه، بر اساس تعریفی که از این پدیده داشتند، عمدتاً از متغیرهای اقتصادی و کمی برای سنجش توسعه استفاده کرده و رشد اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین متغیر توسعه دانسته‌اند. «عظیمی» (۱۳۷۳) توسعه‌ی اقتصادی را عبارت از فرآیندی می‌داند که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول می‌گردند. همچنین «میر» (۱۳۷۸) توسعه‌ی اقتصادی را عبارت از فراگردی می‌داند که درآمد سرانه‌ی واقعی یک کشور طی یک دوره‌ی بلندمدت افزایش می‌یابد. نسل اول اقتصاددانان توسعه با تأکید بر انباشت درآمد سرانه، سرمایه‌ی مادی، صنعتی شدن، شهرنشینی و ... در مورد توسعه سخن گفته‌اند.

برای سنجش مدل توسعه‌ی اقتصادی ابتدا تلاش‌هایی در جهت تدوین مدل عاملی مرتبه‌ی دوم به عمل آمد، اما از آن جایی که تعریف نسل اول اقتصاددانان از توسعه دارای پیچیدگی نبود و به چند متغیر محدود اکتفا کرده بودند، لذا در این پژوهش از مدل عاملی مرتبه‌ی اول بهره گرفته شد و در نهایت از ۶ متغیر به شرح زیر استفاده شده است: $Y1 =$ درآمد سرانه، $Y2 =$ ارزش افزوده‌ی کارگاه‌های صنعتی، $Y3 =$ مسافت آزادراه، $Y4 =$ ارزش افزوده‌ی معادن، $Y5 =$ انشعاب گاز و $Y6 =$ نرخ شهرنشینی می‌باشد.



مدل شماره (۲) مدل اندازه‌گیری سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل اول نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه

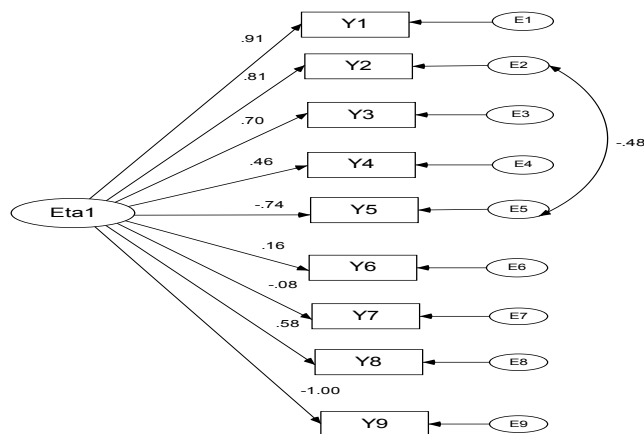
در مورد مدل فوق، ذکر نکاتی چند ضروری است:

- مثبت بودن کلیه وزن‌های رگرسیونی یا بارهای عاملی (پارامترهای لامدای اکس) نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول را از مبانی نظری نمودار فوق به نمایش می‌گذارد؛

• در میان متغیرهای انتخاب شده، متغیرهایی چون درآمد سرانه با دارا بودن ضریب $0/60$ ، مسافت آزادراهها با ضریب $1/06$ ، ارزش افزوده‌ی معادن با ضریب $0/55$ و نرخ شهرنشینی با ضریب $0/83$ دارای همبستگی بیشتری با مدل و تعریف توسعه‌ی اقتصادی نظریه‌پردازان نسل اول هستند، بنابراین در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان از وزن بیشتری برخوردارند. در مقابل، متغیرهایی چون ارزش افزوده‌ی کارگاههای صنعتی و وجود انشعاب گاز در سطح استان به ترتیب با دارا بودن ضرایب $0/01$ و $0/04$ دارای کمترین میزان همبستگی با توسعه‌ی اقتصادی هستند، در نتیجه در محاسبات مربوطه از وزن کمتری برخوردارند.

سازه توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم: نسل دوم اقتصاددانان توسعه با انتقاد از رویکردهای نسل اول، نظریه‌پردازی را آغاز کردند. ایده‌هایی از قبیل دادن وزن بیشتر به سرمایه‌ی انسانی و دانش به عنوان منبع افزایش سود نسبت به سرمایه‌ی مادی، عدم تقلیل توسعه به رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی، توجه به توزیع درآمد، حفظ محیط زیست و ارائه‌ی شاخص‌های ترکیبی برای سنجش توسعه‌ی اقتصادی از عمده‌ترین کارهایی است که نسل دوم اقتصاددانان توسعه نسبت به گسترش آنها همت گماشتند. ابتدا تلاش بر این بود که مدلی مرتبه دوم تدوین گیرد و بدین منظور توسعه‌ی انسانی، الماس توسعه، رفاه اجتماعی و ضریب جینی در مرتبه‌ی اول و دیگر شاخص‌ها در مرتبه‌ی دوم آورده شدند.

از آن جایی که شاخص‌های مرتبه دوم فاقد سازگاری و انسجام لازم و مقبول بودند، مدل مرتبه‌ی دوم به مدل مرتبه‌ی اول تغییر داده شد:



مدل شماره (۳) مدل اندازه‌گیری سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه

در مدل فوق Y1= میزان باسوادی، Y2= امید به زندگی، Y3= درآمد سرانه، Y4= دسترسی به آب سالم، Y5= رفاه اجتماعی، Y6= محیط زیست، Y7= ضریب جینی، Y8= شهرنشینی و Y9= فقر انسانی می‌باشد. لازم به ذکر است که برخی از متغیرهای فوق مانند رفاه اجتماعی و فقر انسانی، از چندین متغیر دیگر تشکیل شده‌اند.

در مورد مدل فوق، ذکر نکاتی چند ضروری است:

• در این مدل شاخص‌های رفاه اجتماعی، ضریب جینی و فقر انسانی به دلیل اینکه مقادیر بیشتر آنها نشان دهنده‌ی توسعه‌نیافتگی بالاتر جامعه است لذا انتظار می‌رود که ضریب همبستگی آنها با سازه‌ی نسل دوم توسعه‌ی اقتصادی منفی باشند. ضرایب به دست آمده برای این شاخص‌ها، انتظار ما را برآورده ساخته است.

• در مدل مذکور میزان باسوادی، امید به زندگی و درآمد سرانه که شاخص توسعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند، رفاه اجتماعی و فقر انسانی دارای ضریب همبستگی بالایی با توسعه‌ی اقتصادی هستند. این وضعیت نشانگر آن است که شاخص‌های فوق برای تعریف توسعه از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر شاخص‌ها برخوردارند.

آزمون فرضیات:

فرضیه ۱: احتمالاً سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی (نسل اول) در ایران، تأثیر منفی دارد.

تبیین نظری فرضیه: از نظر پاتنام (۲۰۰۰) سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی حول اعضای خانواده، گروه دوستان صمیمی، خویشاوندان نزدیک، جنسیت، قومیت و دین ایجاد و منجر به شکل‌گیری پیوندهای قوی میان آنها می‌شود. این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی، موجب تقویت هویت‌های انحصاری و گروه‌هایی که از اصل همانندی و شباهت پیروی می‌کنند، می‌گردد.

فوکویاما (۱۳۷۹) بر نقش شعاع اعتماد در دسترسی به اهداف جمعی تأکید دارد که هر چه گسترده‌تر باشد، نتایج مثبتی برای فرد و جامعه دارد. شعاع اعتماد در سرمایه‌ی اجتماعی درون-گروهی از مرزهای گروه فراتر نمی‌رود و در این محدوده به تعامل و مبادله می‌پردازند. اعضای گروه تمایل دارند تا سطح بالایی از اعتماد، همکاری و سازماندهی را درون گروه داشته باشند و مبادلات، کار گروهی و آموزش جمعی را در درون گروه تسهیل نمایند. به نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی همبستگی اجتماعی را در گروه‌های هویتی و محدود تقویت می‌کند.

ساباتینی (۲۰۰۸) بر این باور است که خاصیت و ویژگی درون‌گروهی سرمایه‌ی اجتماعی، به طور ضمنی در بردارنده‌ی نوعی بار منفی است و در یک معنای کلی به گروه‌های کوچک و جمعیتی همگون ارجاع داده می‌شود که حاضر نیستند با گروه‌های بیگانه و خارج از مرزهای خود، همکاری، ارتباط متقابل و نسبت به آنها اعتماد داشته باشند. گروه‌های مختلف در چنین حالتی از تعریف و شناسایی اهداف مشترک و ارائه‌ی برنامه‌ی هماهنگ برای دست‌یابی به آن اهداف ناتوان هستند و تقویت پیوندهای درون‌گروهی بر ایجاد رابطه با دیگران ارجحیت و اولویت می‌یابد. این امر موجب می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، کارکردها و نتایج منفی متعددی را برای توسعه‌ی اقتصادی به بار آورد. اکثر جامعه‌شناسان، خانواده را شکل بالقوه‌ی این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌کنند. البته می‌توان آن را به گروه‌های دیگری چون دوستان، خویشاوندان، قومیت، مذهبی و ... نیز تعمیم داد که در سطوح دیگری از سازمان اجتماعی قابل مشاهده هستند. در سال‌های اخیر و در پی ناکامی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دست‌یابی به اهداف توسعه‌ای خویش، علاوه بر عواملی چون سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه بر نقش سرمایه‌ی اجتماعی در دست‌یابی به توسعه، تأکید خوش‌بینانه و ویژه‌ای داشته‌اند. این خوش‌بینی و تأکید اما دیری نمی‌پاید و پژوهش‌گران به تدریج به این نتیجه می‌رسند که «استعداد سرمایه‌ی اجتماعی در تولید نتایج منفی نباید حیرت‌انگیز باشد» (فیلد: ۱۲۱). تردیدی نیست که سرمایه‌ی اجتماعی، فواید و منافع متعددی برای افراد و اعضای گروه دارد و به آنها در جهت دست‌یابی به اهداف مشترک مدد می‌رساند اما به همان اندازه که به تقویت همکاری جهت رسیدن به اهداف مثبت می‌انجامد در همان حد نیز می‌تواند برای تحقق اهداف منفی مورد استفاده قرار گیرد.

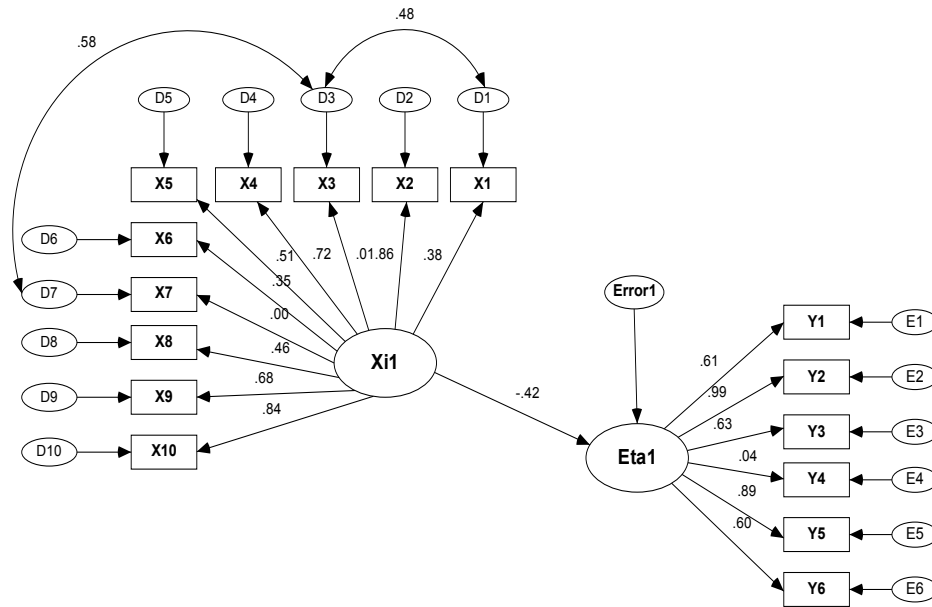
بسیاری از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان توسعه با کنار گذاشتن خوش‌بینی اولیه نسبت به سرمایه‌ی اجتماعی، بر این باورند با توجه به اینکه سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی منجر به تحدید شعاع اعتماد و انحصارگرایی هویتی می‌گردد و در نتیجه جامعه به فرقه‌ها و هویت‌های گروهی مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام بر اساس منافع و تشخیص خود و عدم اعتماد نسبت به دیگری عمل می‌کند، نمی‌تواند تأثیر مثبتی بر توسعه‌ی اقتصادی داشته باشد. در واقع این تصور وجود دارد که در میان جوامع و گروه‌هایی که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، بیشتر است، هراس از پول‌دار شدن، گسترش فقر، توزیع نابرابر درآمد و امتیازات اجتماعی، سواری مجانی، افزایش هزینه‌ی

مبادلات، بدبینی نسبت به گروه‌های دیگر، قانون‌گریزی، فرقه‌گرایی و تعصب، تضعیف عقلانیت اقتصادی، نابرابری در دسترسی به اطلاعات، افزایش جرم، کاهش تحرک اجتماعی و ... رواج می‌یابد و این مسائل موجب اختلال در روند توسعه‌ی اقتصادی می‌شوند. در دیدگاه شبکه‌ای هر دو جنبه‌ی مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی به حساب آورده می‌شود و این باور و اعتقاد وجود دارد که ممکن است سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی مبنایی برای پی‌جویی منافع فرقه‌ای در آید. برای مثال ممکن است تعهدات وفاداری‌های گروهی آن‌چنان نیرومند باشند که گرفتن دارایی‌های فرد را که با جان‌کندن و تحمل مشقات فراوان آن را به دست آورده است به بهانه‌ی حمایت از گروه و شبکه به سادگی، توجیه کنند.

با توجه به مطالب فوق، اولین فرضیه‌ی تحقیق این است که پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی در ایران تأثیر منفی داشته باشد. از آنجایی که این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی موجب هراس از پولدار شدن، سواری مجانی، تعصب گروهی، فرقه‌گرایی و ... می‌شود، کاهش سرمایه‌گذاری را به دنبال خواهد داشت. بدین معنی که سرمایه‌ی اجتماعی درون-گروهی از یک سو مانع از برقراری ارتباط و پذیرش سرمایه‌گذاران خارج از گروه خواهد شد و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران داخلی نیز از ترس سواری مجانی، مصادره‌ی پول به نفع گروه، چشم-پوشی از منافع و ... حاضر به سرمایه‌گذاری در اجتماع خود نیستند. در چنین حالتی شاهد کاهش شدید سرمایه‌گذاری و گسترش فقر و بیکاری در سطح اجتماع خواهیم بود.

برای سنجش دقیق‌تر فرضیه‌ی فوق، توسعه‌ی اقتصادی در دو معنای متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این دو سازه، دو مدل برای سنجش فرضیه‌ی چگونگی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی تدوین گشت. ابتدا با استفاده از داده‌های موجود، رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی- نسل اول مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدل معادله‌ی ساختاری: در مورد آزمون فرضیه، بر اساس مدل معادله‌ی ساختاری نتایج به دست آمده به شرح زیر است:



مدل شماره (۴) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی - نسل اول

نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که اثر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر سازه‌ی توسعه اقتصادی نسل اول، منفی (-۰.۴۲) است. این بدان معنی است که افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در استان‌های مختلف ایران در حد متوسطی بر میزان توسعه اقتصادی آنها تأثیر منفی دارد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که هر چه میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در یک استان بیشتر باشد، میزان توسعه‌نیافتگی آن نیز بیشتر خواهد بود. با توجه به مباحث نظری، این نتیجه قابل پیش‌بینی و انتظار بود و فرضیه‌ی تحقیق که احتمال منفی بودن تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را بر توسعه اقتصادی مطرح ساخته بود، تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۱) شاخص‌های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی - نسل اول

مدل		معادل فارسی شاخص	شاخص	نوع شاخص
مدل تحقیق	مدل استقلال			
۱۶	۳۵	پارامترهای آزاد برای مدل تدوین شده	NPAR	
۱۳۰.۹۸۱ ۱۰۱ ۰	۳۰۷.۱۹۱ ۱۲۰ ۰.۲۴۰	کای اسکوئر غیر معنادار درجه‌ی آزادی سطح معناداری	CMIN DF P	مطلق
.۱۰۵ ۲.۵۶۰	.۲۴۰ ۱.۲۹۷	شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات باقیمانده نسبت کای اسکوئر به درجه‌ی آزادی	RMSEA CMIN/DF	نسبی
۰ ۰	۸۱۰ ۸۴۰	شاخص برازش توکر-لوئیس شاخص برازش تطبیقی	TLI CFI	تطبیقی
۰ ۰	۴۸۳ ۰.۷۰۷	شاخص برازش شده‌ی مقصد شاخص برازش شده‌ی تطبیقی مقصد	PNFI PCFI	مقصد

برای تفسیر مقادیر موجود در جدول فوق باید گفت:

- در زمینه‌ی شاخص‌های مطلق باید گفت که کای اسکوئر غیر معنادار (CMIN) برابر با ۳۰۷.۱۹۱ و سطح معناداری (P) نتیجه‌ای مطلوب را به نمایش می‌گذارد. علاوه بر این با توجه به این که درجه‌ی آزادی مدل تحقیق از صفر دور و به درجه‌ی آزادی مدل استقلال (برابر با ۱۰۱) نزدیک می‌شود، باید تلقی مطلوب‌تری از مدل داشت؛
- تعداد پارامترهای آزاد برای مدل تدوین شده (NPAR) که مقدار آن ۳۵ است نشان می‌دهد که پژوهشگر در تدوین مدل به راحتی به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته است و این وضعیت قابل قبول است؛
- در مورد شاخص‌های نسبی نیز باید گفت در این جدول، مقدار کای اسکوئر نسبی (CMIN/DF) ۱.۲۹۷ است که از وضعیتی قابل قبول برای مدل حکایت دارد، همچنین مقدار ۰.۲۴۰ شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMSEA) برای مدل عاملی تدوین شده حاکی از قابل قبول بودن مدل است؛
- در جدول فوق شاخص برازش توکر-لوئیس (TLI) برابر با ۰.۸۱۰ و شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰.۸۴۰ است و از آن جایی که مقادیر آنها نزدیک به ۰.۹۰ است لذا بر اساس این شاخص‌ها، مدل تدوین شده قابل قبول تلقی می‌گردد؛

• در جدول فوق مقدار شاخص برازش هنجار شده‌ی مقتصد (PNFI) برابر با ۰/۴۸۳ و مقدار شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) برابر با ۰/۷۰۷ می‌باشد که هر دو مقادیری قابل قبول را نشان می‌دهند.

همچنین این نتیجه با نتایج تحقیقاتی که قبلاً در این زمینه به انجام رسیده است، مشابهت دارد. بوگلسدیک و اسمولدرس (۲۰۰۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و رشد اقتصادی منفی است. ساباتینی (۲۰۰۶) نیز به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی که به تضعیف پیوندهای میان گروههای مختلف و متفاوت منجر می‌شود، تأثیر منفی بر عملکرد اقتصادی دارد. نتیجه‌ی پژوهش امیری (۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی درون‌گروهی و ارتباط گسترده با دوستان و خانواده به علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون‌گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

احتمالاً سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی (نسل دوم) در ایران، تأثیر منفی دارد. تبیین نظری فرضیه: بر اساس فرضیه‌ی فوق و برای سنجش دقیق‌تر آن، در این پژوهش مدلی دیگر تنظیم گردید که در آن رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و سازه‌ی دیگری از مفهوم توسعه‌ی اقتصادی تحت عنوان «نسل دوم» مورد بررسی قرار گرفت. در این مدل شاخص‌های اجتماعی و کیفی به آن افزوده گشته است و علاوه بر لحاظ کردن برخی از شاخص‌های قبلی، شاخص‌های دیگری چون میزان باسوادی، ضریب جینی، نرخ امید به زندگی، رفاه اجتماعی، فقر انسانی، توجه به محیط زیست و ... مورد استفاده قرار گرفته است.

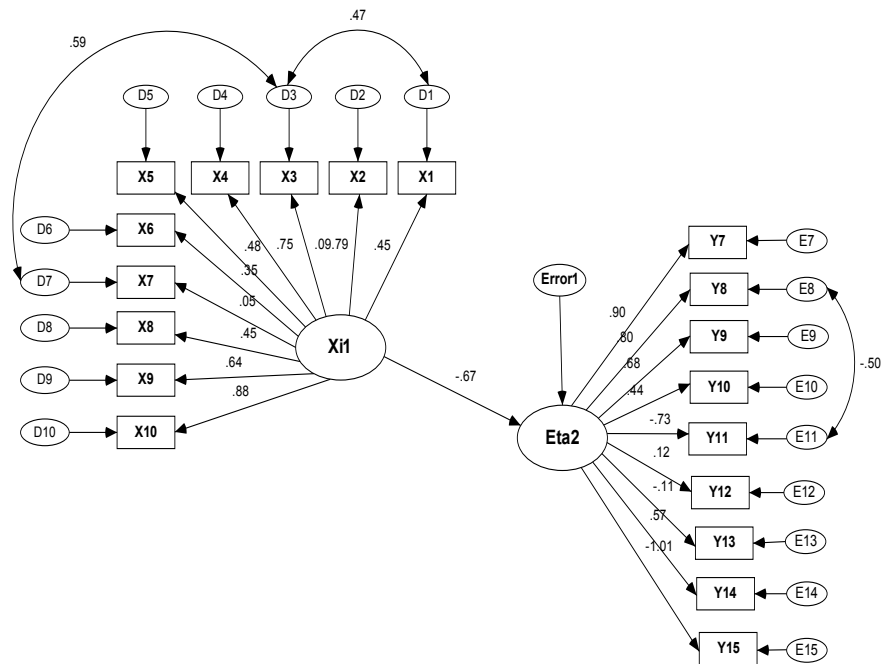
فوکویاما (۱۳۷۹) بر این باور است در صورتی که شبکه‌هایی در سازمان‌های رسمی ایجاد شوند و ارزش‌های آنها بر ارزش‌های سازمان ارجحیت پیدا کنند، نتایج آنها الزاماً سودمند نیست و می‌توانند موجب اختلالات در کارکرد سازمان شوند. از نظر وی، اختلال در کارکرد سازمان منجر به ضعف عقلانیت اقتصادی، کاهش نوآوری، عدم پذیرش اندیشه‌های نوین، خاص‌گرایی و نابرابری می‌گردد و بدین وسیله اثر منفی بر توسعه‌ی اقتصادی می‌گذارد.

خانواده‌گرایی به مثابه مانع توسعه از سال‌های دور توسط جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران نظریه‌ی نوسازی مورد تأکید قرار گرفته است. کسانی چون پارسنز، راجرز و لوی بر این باورند که تقدم

قواعد و ارزش‌های خانوادگی و خویشاوندگرایی به مثابه یک فضیلت از ویژگی‌های جوامع نسبتاً نوسازی نشده است.

به طور کلی در جامعه‌ای که در میان گروه‌های آن، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در حد زیادی وجود داشته باشد، نه تنها ارتباط میان گروه‌های مختلف قطع می‌گردد، بلکه نوعی فرقه-گرایی رواج می‌یابد که مانع از برقراری رابطه و تعامل میان آن گروه‌ها می‌شود، در نتیجه امکان رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازد. جامعه به فرقه‌ها و هویت‌های گروهی مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام بر اساس منافع و تشخیص خود و عدم اعتماد نسبت به دیگری عمل می‌کند.

مدل معادله‌ی ساختاری: نتایج به دست آمده به شرح زیر است:



مدل شماره (۵) بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی - نسل دوم

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی بر توسعه اقتصادی.....۱۶۵

جدول شماره (۲) شاخص های کلی برازش برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی بر توسعه اقتصادی - نسل دوم

مدل		معادل فارسی شاخص	شاخص	نوع شاخص
مدل استقلال	مدل تحقیق			
۱۹	۴۲	پارامترهای آزاد برای مدل تدوین شده	NPAR	
۴۶۵.۱۳۲ ۱۷۱ ۰	۲۱۵.۷۵۷ ۱۴۸ ۰	کای اسکوتر غیر معنادار درجه‌ی آزادی سطح معناداری	CMIN DF P	مطلق
۰.۲۵۲ ۲.۷۲۰	۰.۱۳۰ ۱.۴۵۸	شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات باقیمانده نسبت کای اسکوتر به درجه‌ی آزادی	RMSEA CMIN/DF	نسبی
۰ ۰	۰.۷۳۴ ۰.۷۷۰	شاخص برازش توکر-لوییس شاخص برازش تطبیقی	TLI CFI	تطبیقی
۰ ۰	۰.۴۶۴ ۰.۶۶۶	شاخص برازش شده‌ی مقتصد شاخص برازش شده‌ی تطبیقی مقتصد	PNFI PCFI	مقتصد

برای تفسیر مقادیر موجود در جدول فوق باید گفت:

- در زمینه شاخص های مطلق باید گفت که کای اسکوتر غیر معنادار (CMIN) برابر با ۲۱۵.۷۵۷ و سطح معناداری (P) نتیجه‌ای مطلوب را به نمایش می‌گذارد. علاوه بر این با توجه به این که درجه-ی آزادی مدل از صفر دور و به درجه‌ی آزادی مدل استقلال (برابر با ۱۷۱) نزدیک می‌شود، باید تلقی مطلوب‌تری از مدل داشت؛
- تعداد پارامترهای آزاد برای مدل تدوین شده (NPAR) که مقدار آن ۴۲ است نشان می‌دهد که پژوهشگر در تدوین مدل به راحتی به هزینه کردن درجات آزادی نپرداخته است و این وضعیت قابل قبول است؛
- در مورد شاخص های نسبی نیز باید گفت در این جدول، مقدار کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF) ۱.۴۵۸ است که از وضعیتی قابل قبول برای مدل حکایت دارد، همچنین مقدار ۰.۱۳۰/ شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMSEA) برای مدل عاملی تدوین شده حاکی از قابل قبول بودن مدل است؛
- در جدول فوق شاخص برازش توکر- لوییس (TLI) برابر با ۰.۷۳۴ و شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰.۷۷۰ است و از آن جایی که مقادیر آنها نزدیک به ۰.۹۰ است لذا بر اساس این شاخص ها، مدل تدوین شده قابل قبول تلقی می‌گردد؛

• در جدول فوق مقدار شاخص برازش هنجار شده‌ی مقتصد (PNFI) برابر با ۰/۴۶۴ و مقدار شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) برابر با ۰/۶۶۶ می‌باشد که هر دو مقادیری قابل قبول را نشان می‌دهند.

نتیجه‌ی به دست آمده در این زمینه نشان از وجود اثر منفی (۰/۶۷-) سرمایه‌ی اجتماعی درون-گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی- نسل دوم دارد. مدل قبلی، تأثیر منفی را در حد متوسطی نشان می‌داد ولی در این مدل، اثر منفی در حد بالایی است. ساباتینی (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیده است که میان کیفیت توسعه و پیوندهای قوی خانوادگی یا سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، همبستگی منفی وجود دارد، همچنین موجب اختلال در روند توسعه‌ی انسانی نیز می‌شود. «فیروزآبادی» و «جاجرمی» (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در کلان‌شهر تهران» به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مشارکت غیر رسمی مذهبی که نشان‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی است در مناطق کمتر توسعه‌یافته نسبت به سایر مناطق بیشتر می‌باشد.

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه آن است که تصور عام در میان محققین و نتایج پژوهش‌های آنها مبنی بر این است که بین سرمایه‌ی اجتماعی و رشد و توسعه‌ی اقتصادی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. نتایج بسیاری از تحقیقات نیز مؤید ادعای فوق بوده است (ناک و کيفر: ۱۹۹۷، پاتنام: ۲۰۰۰، زاک و ناک: ۲۰۰۱، چو: ۲۰۰۶، رنانی: ۱۳۸۵، مؤیدفر: ۱۳۸۵، فیروزآبادی و جاجرمی: ۱۳۸۵)، اما مشاهده می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه‌ی اقتصادی، تأثیر منفی دارد. هم‌چنان که یافته‌ها نشان می‌دهد این تأثیر در حد متوسط به بالا است، به ویژه این تأثیر منفی نسبت به توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم شدیدتر می‌شود.

تحلیل نتایج: در تفسیر و تحلیل یافته‌های فوق باید گفت:

• کشور ما جزو کشورهای در حال گذار محسوب می‌شود. لذا بر خلاف کشورهای مدرن که خانواده در شکل قدیمی آن تا حد زیادی تغییر کرده است، هنوز تقدس حریم خانواده و اعتماد به آن در سطح بالایی وجود دارد. علاوه بر این، با توجه به اینکه حاکمیت سیاسی مبتنی بر ارزش‌های دینی است، مشاهده می‌شود که نهادهای حکومتی نیز از تحکیم و تقدس ارزش‌های خانواده و سرمایه‌گذاری در آن سخن به میان می‌آورند و در جهت تقویت آن برنامه‌ریزی می‌کنند. در نتیجه طبیعی است که مقدار سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در سطح کشور بالا باشد. این امر اگر چه

مثبت است اما اگر تشدید گردد و منجر به شکل‌گیری گروه‌های بسته و ایجاد بدبینی نسبت به دیگران شود، اعتماد متقابل میان آحاد ملت را مخدوش می‌سازد و باعث محدود شدن شعاع اعتماد در جامعه می‌گردد. در چنین حالتی شبکه‌های روابط اجتماعی شکل نمی‌گیرند و وابستگی به گروه خودی یا به تعبیر دورکیم، مشابهت، مبنای تعامل و روابط متقابل می‌شود.

• یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در استان‌های کشور بیشتر باشد، میزان توسعه‌ی اقتصادی آن استان کاهش می‌یابد. این امر در ارتباط با سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی نسل دوم، شدت بیشتری دارد. به عبارت دیگر نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی تراحم و تضاد بیشتری با متغیرهایی چون برابری، حفظ محیط زیست، کاهش فقر انسانی، افزایش رفاه اجتماعی، باسوادی و امید به زندگی دارد. این امر نیز با توجه به آنچه در مبانی نظری آورده شد، قابل پیش‌بینی بود. خاص‌گرایی و ترجیح منافع گروهی بر منافع جمعی از یک سو و دسترسی نابرابر به اطلاعات و بالا رفتن هزینه‌ی مبادلات از سوی دیگر، از نتایج گسترش سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی است. این وضعیت به نوبه‌ی خود موجب می‌شود که در فرآیند توسعه و متغیرهایی چون برابری، رفع فقر و توجه به محیط زیست که مستلزم همکاری و اعتماد متقابل است، اختلال ایجاد شود.

• بررسی رابطه‌های منفرد سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی با شاخص‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که این سرمایه با کلیه‌ی شاخص‌ها رابطه‌ی منفی دارد. اما با برخی از آنها چون نرخ رفاه اجتماعی، فقر انسانی، دست‌یابی به آب آشامیدنی سالم، میزان باسوادی و امید به زندگی، شدت این رابطه در حد متوسط و بیشتر است. در مقابل برخی از شاخص‌ها چون ضریب جینی، نرخ شهرنشینی، حفظ محیط زیست، درآمد سرانه و میزان ارزش افزوده‌ی صنایع و معادن، شدت رابطه منفی و در حد ضعیفی است.

• از زمانی که دغدغه‌ی توسعه در میان صاحب‌منصبان و صاحب‌نظران ایران ایجاد و برنامه‌های توسعه اجرا شده است، بسیاری از محققین (رزاقی: ۱۳۷۰، عظیمی: ۱۳۷۳، غنی‌نژاد: ۱۳۸۶) بر این باورند اجرای این برنامه‌ها که برگرفته از نظریات نوسازی است، نتیجه‌ای جز ناموزونی و از هم گسیختگی اقتصاد کشور را به دنبال نداشته و در بهترین حالت، ثمره‌ی آن توسعه‌ی نامتوازن بوده است. این عدم توازن در دو جنبه خود را به نمایش می‌گذارد: از یک سو شاهد توسعه‌ی نابرابر در سطح کشور و در میان مناطق هستیم و از سوی دیگر

عدم توازن در توجه به شاخص‌های توسعه به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که شاخص‌های کیفی توسعه کاملاً نادیده گرفته شده‌اند و عمدتاً بر شاخص‌هایی که نشانگر رشد اقتصادی هستند، تأکید شده است. اگر چه سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی خود موجب شکل‌گیری نابرابری و توسعه‌ی نامتوازن در کشور می‌شود اما توسعه‌ی نابرابر منطقه‌ای نیز به شیوه‌های مختلف و در سطوح گوناگون، منجر به ایجاد و گسترش سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی می‌گردد و شعاع اعتماد را به طور محسوسی محدود می‌سازد. لذا شاید بتوان گفت یکی دیگر از علل بالا بودن میزان این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کشور و به خصوص در میان استان‌های توسعه‌نیافته، توسعه نامتوازن در سطح کشور و حتی در سطح شهرها است.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|----------------------------|
| 1-Missing link | 10-Ascribed groups |
| 2-Improvement | 11-Bridging Social Capital |
| 3-Economic growth | 12-Weak social ties |
| 4-Yoan k, chau | 13-Uphoff |
| 5-Micro | 14-Structural |
| 6-Meso | 15-Cognitive |
| 7-Macro | 16-Quality of development |
| 8-bonding Social Capital | 17-Identity and violence |
| 9-I trust you because you are a member of my clan. | 18Levis |

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: کیهان، پائام، رابرت (۱۳۸۴). **جامعه‌ی برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی**، چاپ شده در: تاجبخش، کیان، سرمایه-ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه، تراسبی، دیوید (۱۳۸۲). **اقتصاد و فرهنگ**. ترجمه‌ی کاظم فرهادی. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود؛ و مبارکی، محمد (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان». **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲: ۳-۲۴.
- رنانی، محسن (۱۳۸۵). «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی اقتصادی». **فصلنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دریچه**. سال سوم، شماره‌ی ۱۰: ۴-۲۳.
- رنانی، محسن [و دیگران] (۱۳۸۵). «سرمایه‌ی اجتماعی و رشد اقتصادی: ارائه‌ی یک الگوی نظری». **مجله‌ی علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**. جلد ۲۱، شماره ۲.
- ساعی، احمد (۱۳۸۶). **توسعه در مکان‌ب متعارض**. تهران: نشر قومس، سو، الوین (۱۳۷۸). **تغییرات اجتماعی و توسعه**. ترجمه‌ی محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی،
- عظیمی، حسین (۱۳۷۳). **مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران**. تهران: نشر نی،
- _____ (۱۳۸۲). **ایران امروز در آینه‌ی مباحث توسعه**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، فرانکوئیس، پاتریک (۱۳۸۶). **سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی**. ترجمه‌ی محسن رنانی و رزیتا مؤیدفر. تهران: انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی،

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). **پایان نظم**. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، فیلد، جان (۱۳۸۶). **سرمایه‌ی اجتماعی**. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رمضانی. تهران: انتشارات کویر، میر، جerald (۱۳۷۸). **مباحث اساسی اقتصاد توسعه**. ترجمه‌ی غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشر نی، میر، جerald؛ و استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). **پیشگامان اقتصاد توسعه**. ترجمه‌ی غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشر نی،
- Beugelsdijk S, & Smulders S (2004). **Social Capital and Economic Growth**. available at: www.dur.ac.uk/economics.guestspeakers/2003_04/Smulders.pdf
- Burt, R. (2001). **New Directions in Economic Sociology**. New York: Russell Sage Foundation.
- Chou, Yuan K. (2002). **Modelling Social Capital and Growth**. University of Melbourne, **Research Paper** Number 865.
- Chou, Yuan K. (2006). Three simple models of social capital and economic growth. **The Journal of Socio-Economics** 35. Department of Economics, University of Melbourne, Vic. 3010, Australia
- Eleni Z. Gabre-Madhin. (2001). **Market Institutions, Transaction Costs, and Social Capital in the Ethiopian Grain Market**, International Food Policy Research Institute, Research Report 124.
- Grootaert, C. (1998). **Measuring social capital: an integrated questionnaire**. **World Bank working paper**. no. 18.
- Knack, Stephan and Philip, Keefer (1997). **Does Social Capital Have an Economic Payoff? Across-country Investigation**. **Quarterly Journal of Econometrics** No. 112 November.
- Leonard, Madeleine (2004). **Bonding and Bridging Social Capital: Reflections from Belfast**. **sociology**: London, Volume 38(5): 927-944.
- Paxton, P. (1999). **Is Social Capital Declining in United States? A multiple indicator assessment**, **AJS** Volume 105 Number 1 (July 1999): 88-127.
- Putnam, R. D. (2000). **Bowling Alone. The collapse and revival of American community**, New York: Simon and Schuster.
- Routledge, Bryan R. & Von Amsberg, Joachim (2002). **Social capital and Growth**. Carnegie Mellon University Working Paper.
- Sabatini, f (2006). **The Role of Social Capital in Economic Development**, available at: www.socialcapitalgateway.org/
- (2007). **Social Capital and the Quality of Economic Development**, available at: www.socialcapitalgateway.org/
- (2008). **Social Capital and the Labour Market**, MPRA Paper No 6582.
- Warren, M. E. (2001). **Social Capital and Corruption**, paper presented at EURESCO Conference on Social Capital, university of Exeter, 15- 20, 2001.
- World Bank. (2009). **What is Social Capital?** Available at: <http://go.worldbank.org/K4LUMW43B0>